

(1) تيمناً بذكره الاهلى

(2) فى اليوم السابع من شهر شعبان المعظم سنة ثلاث و سبعين و ثمانماية اقرار صحيح شرعى كرد در محكمه بلدة كش حماه! الله عن البليات (3) خواجه كلان بن خواجه كلان بن خواجه تغلقشاه در حالى كه كامل الاهلية بود بآنجمله كه فروخته ام ببيع بات فتمت صحيح شرعى (4) در اواسط شهر ذى الحجة حجة اثنتين و سبعين و ثمانماية بخدمت مولانا اعظم سلالة الصواحب العظام معتمد الخواص و العوام (5) مولانا الله بردى بن المرحوم امير درويش الكشى زيد اخلاصه كه وكيل مطلق عام بود از قبل حضرت ارشاد مآبى ولايت پناهى (6) قطب الاسلام و المسلمين مقتدى العلماء السالكين برهان الملة سراج الامة كاشف اسرار الملكوت مظهر ابواب الجبروت (7) الذى كب على بابہ الاكابر و الاعاظم و يقبل تراب عتبه العلية الامجد و الاكرام المخصوص بمزايا العطايا من الملك الآله (8) خواجه بهاوالحق و الدين عبید الله سلمه الله و ابقاه همگى آنچه را كه حق و ملك خالص من بود و در تحت قصرى (9) مالكانه من بلا مانع و منازع

و آن همگی یکقطعه زمین مقسومه معلومه الحدود است که باغ گرانشاہ مینامند (10) در قریه میتن کلان در کتاب هندوان ولایة مذکوره حد شرقی قطعه مذکوره پیوسته است بزمین ملک¹ حیدر بن قلندر (11) و شمالی او پیوسته است بزمین شاه بن قتلشاه و غربی او پیوسته است بزمین ملک متروکه خاوند محمود بن خواجه ...² (12) و جنوبی او پیوسته است بزمین ملک مولانا محمد بن خواجه امیر حسن فاصل در جمیع حدود علامات ظاہره

و همگی نیمدانگ مشاع (13) از تمام قریه میتن کلان مذکوره سوای املاک مقسومه معلومه الحدود خاصه بعضی از شرکاء قریه مذکوره و سوای قطعه مبیعه محدوده (14) و مسجد و مقبره و طرق عامه و سوای یک قرا مشاع¹ از نیمدانگ مشاع مذکوره که ملک خواجه امیر حسن بن...³

(15) و محدود است تمام قریه مذکوره بحدود اربعه معینہ کہ هر ملتقاء نہایتین هر دو حد ازین حدود اربع رکنی است از ارکان (16) اربع مستوی باسوی خاص برینموجب رکن شرق جنوب را کوه پنج روش مینامند و رکن شرق شمال را کوه خرس خانه مینامند (17) و رکن شمال غرب را کاینی میخوانند و رکن غرب جنوب را دروازه خاکی⁴ میگویند حد شرقی قریه مذکوره پیوسته است (18) بعضی باراضی معینہ قریه رباط هندوان و بعضی باراضی قریه خشیدک و بعضی بموضع شترگردن که تعلق (19) به رباط هندوان مذکوره دارد و منہ المشرب و حد شمالی او پیوسته است بسراسر بکوه کاینی مذکوره و حد غربی (20) او پیوسته است بعضی بچشمه مسعود و بعضی بتیغہ⁵ یکمنی که آنرا ناوہ یکانه نیز میگویند و بعضی براه عامه که فاصل است (21) میان میتن کلان و میتن خردک و بعضی باراضی آبی و دشتی معینہ میتن خردک مذکوره و بعضی باراضی سنگ شکسته (22) و حد جنوبی او پیوسته است بعضی بکوه پنج روش مذکور و بعضی بکوه سنگ توده

فواصل در جمیع حدود (23) علامات ظاہره و امارات باہره و تمام قریه محدوده مذکوره پنج حق شرب معلوم دارد از پنج مشرب (24) معین

¹ Написано над строкой. ² Пробел в ориг. ³ Пробел в ориг.; над строкой другим почерком

добавлено: ⁴ В ориг.: حاکي ⁵ В ориг.: دتبعہ
مولا محمد ابن... همگی میتن خردک

الأول ثلثان جوی کاریز که یک ثلث مشرب شرکاء قریه رباط هندوان است و الثانی تمام نصف جوی دم که (25) نصف دیگرش مشرب شرکاء میتن خردک است و الثالث تمام نهر آسیا که باین نام مشهور است و الرابع تمام نهر. پایان که (26) نهر خشیدک مینامند و الخامس نهر مشترک میان قریه مذکوره و خشیدک مذکور و مستثنی است از بیع مذکور¹ تمام املاک مقسومه (27) معلومة الحدود خاصه بعضی از شرکاء قریه مذکوره که نام بنام محدوداً مفضلاً در محضر قضاة که در دست دارند (28) مثبت است

و مستثنی است ایضاً از بیع مذکور مسجد و مقبره و طرق عامه معلومات الحدود قریه محدوده مذکوره مع الفواصل (29) المعلومه فی جمیع الحدود و خریده است این خرندۀ مذکور بوکالت مذکوره² از منکه فروشنده مذکورم باصالت همگی یکقطعه زمین (30) مقسومه مذکوره و نیمدانک مشاع غیر یک قرا از جمله نیمدانک مذکور قریه مذکوره مبینة الموضع و الحدود را با جمیع حدود و حقوق (31) و مرافق وی و آنچه مضای و منسوب است بوی از قلیل و کثیر و نقیمر و قطمیر بمبلغ یکهزار و صد و بیست و هشت دینار و چهار دانگنیم (32) عدلی فلوس سره رایج الوقت نصفه پانصد و شست و چهار دینار و دو دانک و طسو

خریدنی و فروختنی درست (33) نافذ لازم علی وجه المتات و الحقیقة لا علی وجه الوفاء و الوثیقة بلا غبن و لا غرور و لا وکس و لا شطط و لا تلجئة و لا شرط فاسد (34) مع وقوع التفاضل الصحيح فی البدلین و قبولی ضمان الدرک الشرعی له علی فیه بشرایطه و ایضاً اقرار معتبر شرعی کرد (35) در محکمۀ مذکوره خواجه امیر حسن مذکور حال نفلاً تصرفاته طوماً بانجمله که فروخته ام ببیع بات صحیح مطلق شرعی (36) بخدمۀ مقرله وکیل مذکور بوجه مسطور همگی آنچه را که حق و ملک خالص من بود و در تخت تصرف مالکانه من بی مانعی (37) و منازعی و این همگی یک قراء مشاع مذکور است از جمله نیمدانک مشاع مبیع مذکور که محدود شده بجمیع حدود (38). و حقوق و مرافق وی و آنچه مضای و منسوب است بوی بمبلغ هفتاد و یکدینار و دانکنیم عدلی (39) فلوس سره رایج الوقت نصفه سی و پنج و نیم دینار و سه طسو بیعاً و شراءً باثماً صحیحاً نافذاً لازماً (40) علی وجه المتات و الحقیقة لا علی وجه الوفاء و الوثیقة بلا غبن و لا غرور و

¹ Вставлено под строкой. ² Написано над строкой.

لا شرطا فاسد مع التقابض الصحيح (41) في البدلين و قبولى ضمان الدرک له على فيه كما
هو حکم الشرع و صدقهما المقتر و الوكيل المذكور فيه (42) مشافهة اقرارين صحيحين
شرعيين

و كان ذلك بمحضر من الثقات

(43) *الكاتب و الشاهد بما فيه حوالتون الحافظ¹

(44) *اطلع بمضمونه الداعي خواجه كلان بن سيف الدين²

На обороте:

(45) چک میتن کلان ولایت کش

*¹ Написано на нижнем краю бумаги, двумя короткими строчками. *² Написано на правом поле,

перевернутом низом вверх, другим почерком, возможно, тою же рукой, что и вставка в строке 14.